

روزنامه مستقل

# دنیای هوادار

www.donyayehavadar.ir

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴

شماره ۱۸۰۵

درباره ضرورت شتاب در اجرای خطوط حمل و نقل ریلی کرج؛

**مترو کرج، نفس تازه  
در میان دود و ترافیک**

**«دنیای هوادار» گزارش می‌دهد:**

**آیا بندر شهید رجایی قربانی مدیریت ناکارآمد شد؟**

# آتش بپایان

بازگشت به مکتب کیسینجر  
یا تکرار دوگانگی شکست خورده؟

**سایه اتاق بیضی**

هفته بیست و هشتم لیگ برتر  
زیر ذره بین «دنیای هوادار»؛

**بزرگال‌تراختور**





یاد و خاطره شهدا،

به ویژه «شهید

قارداشعلی کریمی» که

اردیبهشت ۱۱ به مقام

شامخ شهادت نائل

گشت، گرامی باد

دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۰۵

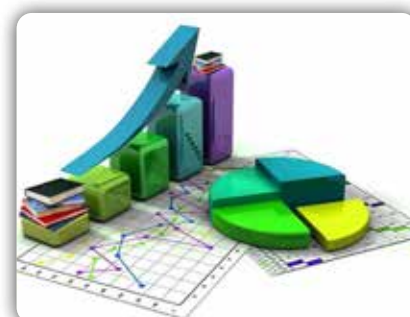
## سرمقاله

## تورم مقررات،

## بیماری مزمن حکمرانی

سارانصرتی

موضوع تنقیح قوانین و مقررات به عنوان یک اقدام بنیادی در عرصه قانونگذاری است که از بروز تناقض قوانین جلوگیری می‌کند و موضوعی مهم برای کشوری مانند ایران است که به گفته کارشناسان، با پدیده‌ای به نام انباشت قوانین روبرو است. تنقیح به معنی اصلاح، تصحیح و مرتب کردن بعضی از قوانینی است که ممکن است ابهام داشته باشد همچنین بسیاری از قوانین ناسخ و منسوخ، مبهم، متعارض و متناقض هستند که باید کنار گذاشته شوند و این اقدامات باعث جلوگیری از فساد می‌شود و تنقیح این اختیارات را می‌دهد که بتوان قوانین موجود را اصلاح کرد. ضعف در اجرای قوانین در بسیاری موارد، در قانون‌گذاری ریشه دارد. تورم مقررات به دستگاه‌های اجرایی کمک می‌کند تا همواره قوانین و مقرراتی در جیب خود داشته باشند که قابلیت تفسیر حقوقی موسع یا مضیق دارند و می‌توانند ناقض اجرای قوانین و مقرره‌های دیگر باشند! بی شک مروری بر مهم‌ترین چالش‌های کسب‌وکار در ایران طی دو دهه گذشته نشان می‌دهد که همواره، حجم بالای قوانین و مقررات و بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها در فهرست مهم‌ترین چالش‌های فعالان بخش خصوصی و کسب‌وکارها جای داشته و مشکل «تورم قوانین» را نمی‌توان با قانون‌گذاری جدیدتر حل کرد. بنابراین مادامی که اراده‌ای برای اجرا وجود نداشته باشد، بعید است قوانین جدید نیز بتوانند، کمکی به بخش خصوصی کنند؛ انباشت قوانین هر روزه فقط به مشکلات می‌افزاید که فکری به حال این موضوع نمی‌شود. در حال حاضر می‌بینیم علاوه بر انباشت قوانین، چند قانونی نیز در رابطه با موضوعات مشخص وجود دارد و مدیران در بسیاری از موارد برای حل مشکلی واحد به استناد قانون راه‌های مختلفی انتخاب می‌کنند که این خود یک معضل است. امروز به روز رسانی و تنقیح قوانین یک ضرورت برای نظام حکمرانی کشور است، زیرا روزآمد شدن و تنقیح قوانین سبب می‌شود که وقت مجلس با موازی کاری در حوزه قوانین هدر نرود و اگر فرهنگ تنقیح قوانین در اولویت مجلس قرار گیرد باعث می‌شود که مشکلات قوانین زائد، تکراری، بخشی، جزئی، مزاحم، ناسخ و منسوخ حل شود. اصلاح قوانین، تعیین تکلیف قوانین ملغی و مشخص کردن قوانین لازم‌الرأیه عزمی جدی در مجلس و دولت می‌خواهد که باید ظرف چند ساله این موضوع را حل کنند.



## شی جین‌پینگ چهارشنبه به مسکو می‌رود

کاخ کرملین اعلام کرد، رئیس‌جمهور چین به دعوت ولادیمیر پوتین از ۷ تا ۱۰ مه به روسیه سفر رسمی خواهد کرد.

براساس اعلام کرملین، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه و شی جین‌پینگ، همتای چینی او طی این سفر چند روزه که از چهارشنبه آغاز می‌شود، در مورد توسعه مشارکت جامع، همکاری استراتژیک و مسائل روز در دستور کار بین‌المللی گفت‌وگو خواهند کرد. طبق اعلام کرملین، شی جین‌پینگ در جریان سفر به روسیه در مراسم بزرگداشت هشتادمین سالگرد پیروزی در جنگ جهانی دوم شرکت خواهد کرد.

## دنیای هم‌اودار

## رویداد

## حرف اول

بارگشت به مکتب کیسینجر یا تکرارِ دوگانگی شکست خورده؟

## سایه‌اتاق بیضی

مهرداد تیموری

در فضای دوقطبی و آشوب‌زده سیاست خارجی آمریکا، جایه‌جایی ناگهانی مهره‌ها اغلب بیش از آنکه نشانه‌ای یک چرخش استراتژیک باشند، محصول مناسبات قدرت، وفاداری و بحران درونی‌اند. انتصاب هم‌زمان مارکو روبیو به دو جایگاه کلیدی وزیر خارجه و مشاور موقت امنیت ملی - نه فقط یک رکورد تاریخی در ساختار سیاسی آمریکا است، بلکه پرده از بحران عمیق‌تری در دولت دوم دونالد ترامپ برمی‌دارد: فقدان انسجام، حذف کارشناسی، و تسلط منطق «وفاداری مطلق» بر شایستگی‌دیپلماتیک.

مارکو روبیو، همان سناتور جمهوری‌خواه فلوریدایی که روزگاری از منتقدان سرسخت ترامپ بود و در کارزار انتخابات ۲۰۱۶ او را تهدیدی برای امنیت ملی می‌دانست، امروز به یکی از نزدیک‌ترین مهره‌های او بدل شده است. چرخشی که اگرچه در ظاهر نشانه‌ای از تطبیق و عملگرایی است، اما در باطن حامل بحران مشروعیت اخلاقی و ایدئولوژیک برای چهره‌ای چون روبیو است. او که زمانی در نطق‌های علنی‌اش از ناتو، اتحادیه‌های سنتی، و تقابل با پوتینیسم دفاع می‌کرد، حالا در قامت یکی از مدافعان اصلی خط‌مشی ترامپ، خود را بازآرایی کرده؛ بی‌آنکه چشم‌انداز روشنی از نقش یا راهبرتش ارائه دهد.

روبیو برای بقا در حلقه ترامپ، نه تنها از مواضع اصولی خود فاصله گرفته، بلکه به‌طرزی شگفت‌آور، بسیاری از خطوط قرمز پیشین خود را نیز نادیده گرفته است. او حالا از ناتو فاصله می‌گیرد، سیاست‌های یک‌جانبه‌گرانه ترامپ را توجیه می‌کند، و حتی از بودجه‌های بحث‌برانگیز یواس‌اید که زمانی آن را یکی از ارکان قدرت نرم می‌دانست، دیگر حمایت نمی‌کند. این چرخش‌های سریع، نه برآمده از بازاندیشی نظری، بلکه بیش‌تر ناشی از ضرورت‌های سیاسی برای حفظ جایگاه است. حذف «مایک والتز» پس از یک اشتباه

اطلاعاتی، تنها مسیر را برای صعود روبیو هموار کرد؛ اما پرسش اساسی باقی می‌ماند: آیا روبیو صرفاً یک چهره نمادین است یا قرار است هدایت‌گر واقعی سیاست خارجی آمریکا باشد؟

### کیسینجر جدید؟ یا توهم رهبری؟

تلاش برخی رسانه‌ها برای مقایسه روبیو با هنری کیسینجر، تنها در سطحی‌ترین لایه‌های قدرت باقی می‌ماند. کیسینجر با وجود نقدهای اخلاقی فراوان، صاحب دکترین بود؛ او به‌راستی معماری نوین برای روابط بین‌الملل آمریکا طراحی کرد. اما روبیو تا این لحظه، فاقد هرگونه چشم‌انداز یا نظریه منسجم سیاست خارجی است. نه استراتژی روشن در قبال چین، نه ایده‌ای مشخص درباره برجام، و نه موضعی سازگار درباره خاورمیانه از او شنیده شده است. در واقع، روبیو نه «کیسینجر جدید»، بلکه چهره‌ای تکنوکرات و انعطاف‌پذیر در قبال اراده ترامپ است؛ بیشتر مجری تا معمار، بیشتر تدارکاتی تا تئوریک.

نفوذ واقعی، زمانی به محک آزمون گذاشته می‌شود که بحران فرا رسد. روبیو تاکنون در بستر مدیریت بحران واقعی (نظیر جنگ، توافق بزرگ، یا پرونده امنیتی بین‌المللی) آزمایش نشده است. صرف کسب عنوان مشاور امنیت ملی و وزیر خارجه نمی‌تواند نشان‌دهنده توان رهبری باشد، مگر آنکه در شرایط واقعی، سیاست‌های اثرگذار و مواضع مستقل از خود بروز دهد. فراموش نکنیم که نظام ترامپ در دولت دومش بیش از هر زمان دیگری، حول فردگرایی و اقتدارگرایی شخص رئیس‌جمهور سازمان یافته است. در چنین ساختاری، مشاوران بیشتر باید در جهت تثبیت خواست ترامپ عمل کنند تا ابداع‌گریک مکتب یا روایت نو در سیاست خارجی.

### معماری روبیو: تنهایی در اوج

روند انتصابات و عزل‌های مکرر در دولت ترامپ، نشان



داده که «صعود» در این منظومه الزاماً به معنای ثبات یا قدرت نیست. روبیو، هرچند امروز در رأس نشسته، اما در عمل، فاقد پشتوانه‌ای از سوی بدنه امنیتی، نظامی و حتی نخبگان حزبی جمهوری‌خواه است. همین فقدان پشتوانه باعث می‌شود قدرت او هم‌زمان شکننده و مشروط باشد.

سیاست خارجی آمریکا، به‌ویژه در عصر رقابت‌های نوظهور ژئوپلیتیک، بیش از پیش نیازمند چهره‌هایی با اتکا به دانش، بینش و مشروعیت چندلایه است. چهره‌هایی که بتوانند پل بزنند میان دولت و نهادهای تخصصی، میان مردم و دیپلماسی. روبیو تا این لحظه چنین نقشی ایفا نکرده است.

مارکو روبیو امروز نماد تناقض در سیاست خارجی آمریکاست؛ از سویی به ظاهر در اوج قدرت، و از سویی دیگر گرفتار شکاف‌های مشروعیت، ایدئولوژی، و عدم‌اعتماد. او برخلاف کیسینجر که تاریخ‌ساز شد، ممکن است تنها به‌عنوان چهره‌ای گذرا در بازی وفاداری‌های ترامپی باقی بماند. اگر آزمونی واقعی پیش روی آمریکا قرار گیرد چه در تایوان، چه در خاورمیانه یا اوکراین - تنها در آن‌صورت است که خواهیم دید روبیو، مرد روز مباداست یا محصول یک روزمرگی سیاسی.

## چین چگونه می‌تواند تعرفه‌های آمریکا را تلافی کند؟

محمد یزدان پناه

پترسون انجام شده است، میانگین نرخ تعرفه برای صادرات چین به آمریکا تا ۱۲ آوریل (۲۳ فروردین) به ۱۳۴.۱ درصد افزایش یافته است. بر اساس این تحلیل، میانگین تعرفه‌های چین بر صادرات آمریکا بالاتر و حدود ۱۴۷.۶ درصد است. ستر، که در دولت جو بایدن رئیس‌جمهوری پیشین ایالات متحده به عنوان مشاور ارشد نماینده تجاری آمریکا خدمت می‌کرد، گفت: ما پیشتر تعرفه‌ها را به حدی بالا برده‌ایم که با گذشت زمان، تجارت به صفر خواهد رسید. اعضای دولت دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا نیز پیشنهاد کرده‌اند که چین باید به میز مذاکره بیاید. اما رهبری چین تأکید دارد که هیچ مذاکره تجاری بین دو ابرقدرت صورت نگرفته است. اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، در ۲۸ آوریل (هشتم اردیبهشت) به شبکه سی‌ان‌بی‌سی گفت: این تعرفه‌های ۱۲۵ و ۱۴۵ درصدی ناپایدار هستند.

دارایی‌ها به عنوان سلاح استفاده کند و این به ضرر مصرف‌کنندگان و مشاغل آمریکایی خواهد بود. برد ستر، عضو ارشد شورای روابط خارجی ایالات متحده، گفت: چین در واقع یک قدرت مالی بزرگ‌تر از آن چیزی است که در ظاهر به نظر می‌رسد. بر اساس این گزارش، از سال ۲۰۱۸، چین ابزارهای نظارتی، از جمله کنترل صادرات، را توسعه داده است که در صورت افزایش تنش‌ها بین دو کشور، می‌تواند برای فشار بر مشاغل آمریکایی مانند تسلا و اپل مورد استفاده قرار گیرد. با افزایش نرخ تعرفه‌ها در بهار امسال، بنادر ساحل غربی آمریکا از کاهش فعالیت خبر دادند که این نگرانی‌هایی را در مورد کمبود واردات منابعی که معمولاً در آسیا تولید می‌شوند، برانگیخته است. کاخ سفید در ماه آوریل (فروردین - اردیبهشت) افزایش چندین برابری نرخ تعرفه برای واردات آمریکا از چین را پیشنهاد داد که ممکن است تا ۲۴۵ درصد برسد. براساس تحلیلی که توسط موسسه اقتصاد بین‌الملل

شبکه سی‌ان‌بی‌سی با اشاره به اینکه چین به عنوان دومین اقتصاد برتر دنیا، واردکننده بزرگ کالاهای اقتصاد اول جهان یعنی آمریکا است و نزدیک به ۸۰۰ میلیارد دلار از بدهی‌های ایالات متحده را به عنوان یک ابزار اقتصادی در دست دارد، سناریوهای احتمالی پکن را در جنگ تجاری با واشنگتن بررسی کرد. این شبکه خبر در گزارش مورد اشاره، نوشت: چین دومین اقتصاد بزرگ جهان و دومین واردکننده بزرگ کالاهای آمریکایی است. نهادهای چینی دست کم ۷۸۴ میلیارد دلار بدهی فدرال آمریکا را در اختیار دارند. این کشور همچنین بخش زیادی از عرضه عناصر کمیاب جهان را که برای فناوری تولید حیاتی است، کنترل می‌کند.

شبکه سی‌ان‌بی‌سی معتقد است: در صورت وقوع یک جنگ تجاری تمام عیار، چین می‌تواند از این



درباره ضرورت شتاب در اجرای خطوط حمل و نقل ریلی کرج؛

## مترو کرج، نفس تازه در میان دود و ترافیک

ایمان روزبهانی

در شهری که هر صبح، ترافیک همچون کابوسی فلج کننده در شریان های اصلی اش جریان دارد، هر متری از ریل مترو به مثابه نفسی تازه است. کرج، دومین کلان شهر پرجمعیت کشور، سال هاست با بحران سنگین ترافیکی دست و پنجه نرم می کند؛ بحرانی که حالا با توسعه نسبی مترو، روزنه ای از امید به حل آن دیده می شود. سخنان اخیر «خلیل کوزه کنانی» رئیس سازمان حمل و نقل ریلی شهرداری کرج، در جمع تیم جهاد تبیین، بار دیگر ضرورت و اهمیت توسعه مترو را در مرکز توجه افکار عمومی قرار داد.

آن طور که کوزه کنانی عنوان کرده، پروژه متروی کرج تاکنون به پیشرفت ۵۴ درصدی رسیده است؛ رقمی که در مقایسه با زمان بر بودن پروژه های زیرساختی در ایران، قابل توجه است. اما آنچه بیش از رقم اهمیت دارد، این است که ۸ درصد از این پیشرفت، در همین دو سال و نیم گذشته اتفاق افتاده است؛ شتابی که اگر حفظ شود، می تواند روند فرساینده توسعه شهری کرج را بالاخره به نقطه ای از ثبات برساند. با توجه به جمعیت رو به رشد کرج، نرخ بالای مهاجرت، و حجم بالای تردد بین شهری (به ویژه به سمت تهران)، خط ۲ مترو که اکنون در فاز بهره برداری آزمایشی است، نقشی کلیدی در کاهش فشار روانی و اقتصادی بر شهروندان ایفا می کند. هزینه هنگفت ساخت هر کیلومتر از خطوط مترو - حدود ۲۲۰۰ میلیارد تومان - خود گواهی بر عظمت و پیچیدگی این پروژه هاست؛ اما آیا شهرهایی مانند کرج، انتخاب دیگری جز حرکت به سمت توسعه ریلی دارند؟

### خطوط ۴ و ۵؛ رؤیا یا اولویت؟

گسترش خطوط به مناطق حیاتی همچون بلوار مودن، فرودگاه پیام، و مشکین دشت - آن گونه که برای خط ۴ مترو پیش بینی شده - اگرچه امروز هنوز به مرحله اجرا نرسیده، اما نیاز آن غیرقابل انکار است. نگاهی به پراکندگی جمعیتی و نقاط پرتردد کرج نشان می دهد که تنها با شبکه ای گسترده از مترو می توان به بازتوزیع هوشمند جریان رفت و آمد رسیده. توسعه مترو نه تنها راهکاری برای کاهش زمان سفر، بلکه ابزاری برای توزیع عادلانه تر منابع شهری، اشتغال زایی، کاهش مصرف سوخت و حتی بهبود کیفیت هواس است.

خط ۵ که حدود ۱۳ کیلومتر طول دارد، با برنامه ریزی هوشمندانه می تواند مکمل کلیدی خط ۲ شود و ارتباط بین نقاط شرقی و غربی را بهبود بخشد. با این حال، همه چیز در گرو همان چیزی است که معمولاً در ایران کم است: بودجه، برنامه ریزی دقیق، و اراده سیاسی مستمر.

اتوبان تهران-کرج، سال هاست که بدل به یکی از نمادهای فرسودگی زیرساختی کشور شده؛ جاده ای که صبح ها محل قفل شدگی هزاران خودرو است و شب ها صحنه تصادفات پیاپی. در چنین وضعیتی، ایستگاه شهید سلطانی که در نزدیکی این محور مهم قرار دارد، می تواند نقشی حیاتی در کاهش حجم خودروهای ورودی به پایتخت داشته باشد. کوزه کنانی هم به درستی از اولویت بالای این ایستگاه در برنامه توسعه مترو یاد کرده است. این ایستگاه، اگر به موقع بهره برداری شود و با امکانات پارک سوار و اتوبوس رسانی ترکیب شود، می تواند الگویی برای اتصال به حمل و نقل چندوجهی و یکپارچه باشد؛ مدلی که شهرهای بزرگ جهان سال هاست بر آن تکیه دارند و ما هنوز در حال آزمون و خطا هستیم.

### مترو برای مردم، نه پروژه برای مدیران

شاید مهم ترین نکته در ماجرای توسعه مترو کرج، این باشد که این پروژه فراتر از ساخت و ساز است؛ مترو، نماد کیفیت زندگی، شأن شهروندی، و احترام به وقت و آرامش مردم است. اگر مسئولان استان البرز مترو را صرفاً به چشم پروژه ای عمرانی و سیاسی ببینند، آن گاه ممکن است در نیمه راه، قربانی تعویق ها، تغییر مدیریت ها و تورم بودجه ای شود؛ اما اگر مترو را ابزار نجات کرج از گره های کور شهری بدانند، می توانند مسیر سیاست گذاری در استان را متحول سازند. در شهری که هر روز ساعت ها از عمر مردم در پشت فرمان و دود تلف می شود، هر ثانیه تأخیر در توسعه حمل و نقل ریلی، نوعی بی عدالتی مدرن است.

## ورزش باد شدید ۱۳ حادثه به جا گذاشت

رئیس سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کرج گفت: طوفان شدید شب گذشته در شهر کرج باعث وقوع ۱۳ حادثه مختلف شد. اظهار کرد: شب گذشته در پی طوفانی که در شهر کرج رخ داد، ۱۳ مورد حادثه به سامانه ۱۲۵ گزارش شد. وی افزود: در جریان این طوفان، هفت اصله درخت روی خودروها سقوط کرد و یک مورد ریزش سقف تجاری و یک مورد ریزش دیوار روی خودرو نیز به وقوع پیوست. رئیس سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کرج بیان داشت: سقوط یک تیر چراغ برق، یک تابلو تبلیغاتی، یک مورد سقوط درخت روی کابل برق و یک مورد احتمال سقوط درخت از دیگر پیامدهای این طوفان بودند.



دنیای سوادار

دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۰۵

۳ در شهر

از (البرز) چه خبر؟

رئیس شورای شهر کرج:

## پروژه های ناتمام را به پایان می رسانیم



رئیس شورای شهر کرج در سخنرانی پیش از خطبه های نماز جمعه ضمن عذرخواهی از همه کم و کاستی های در گذشته؛ اظهار داشت: تلاش می کنیم در فرصت باقیمانده از دوره ششم شورا، پروژه های روی زمین مانده را به سرانجام رسانده و افتتاح کنیم.

مسعود محمدی در جمع نمازگزاران کرجی گفت: در روزی که شورای ششم را تحویل گرفتیم، بودجه شهرداری کلانشهر کرج حدود ۴ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان بود، که این اعتبار در سال ۱۴۰۴ به ۲۴ هزار میلیارد تومان افزایش یافت.

محمدی، یکی از اولویت های این دوره شورا را توجه به حمل و نقل عمومی دانست و عنوان کرد: پروژه بزرگراه شمالی (شهید سلیمانی) و مترو برای اعضای شورای شهر و مدیریت شهری از اهمیت ویژه ای برخوردار بود و با تزریق اعتبار مورد نیاز و حمایت استاندار محترم، این پروژه در مراحل پایانی خود قرار گرفته و تا ۶۰ روز آینده با تکمیل پل گردشگری باغستان، فاز دوم این پروژه آماده تحویل به شهروندان عزیز خواهد بود و تا بلوار خوارزمی ادامه خواهد داشت.

این عضو شورای شهر کرج گفت: تلاش می کنیم با تکمیل پل B1 روی رودخانه کرج، این بزرگراه مهم کشوری را در همین دوره به اتمام برسانیم.

وی با اشاره به اجرای عملیات عمرانی متروی کرج نیز خاطرنشان کرد: ضمن عذرخواهی بابت تأخیر چندین ساله در اتمام این پروژه؛ سعی کردیم با برنامه ریزی صحیح و تسریع در ریل گذاری، قطار شهری کرج را در آستانه اتصال به تهران قرار دهیم و در تلاشیم با رفع برخی مشکلات و رعایت کامل ایمنی برای مسافران، این خط مهم را به بهره برداری برسانیم.

رئیس شورای شهر کرج در ادامه گفت: نگاه ویژه به مناطق کم برخوردار یکی دیگر از موارد مورد توجه در دوره ششم شورای شهر بود و در مواردی مثل آسفالت، توسعه فضای سبز و زیرساخت ها این

محلات هدف در اولویت اجرایی مدیریت شهری قرار گرفت.

وی افزود: از دیگر پروژه های عمرانی مهم کلانشهر کرج در این دوره می توان به تکمیل زودتر از موعد تقاطع فلکه اول رجایی شهر اشاره کرد، به زودی شاهد بهره برداری از تقاطع میدان جمهوری و مؤذن نیز خواهیم بود.

مسعود محمدی در ادامه یادآور شد: یکی از پروژه هایی که با نگاه اجتماعی، گردشگری و با حمایت دستگاه قضا، رئیس کل محترم دادگستری و دادستان محترم در منطقه کمتر برخوردار حصار در حال اجراست، پارکود است که تاکنون ۳ فاز آن با کیفیت مناسب به بهره برداری رسیده و فازهای دیگر در حال انجام است.

رئیس شورای شهر کرج ادامه داد: مهمترین ویژگی این پروژه، نگاه عدالت محور در بهره مندی از رودخانه کرج برای تمام همشهریان است که به همت دستگاه قضا در رفع تصرف اراضی و واگذاری آن به شهرداری کرج، تاکنون ۴۰۵ هکتار از سواحل این رودخانه به پارکی طبیعی تبدیل شده و مورد استفاده قرار می گیرد.

وی گفت: از دیگر تلاش های همکارانم در دوره ششم شورای شهر می توان به برنامه ریزی برای حمل و نقل عمومی ارزان قیمت در شهر اشاره کرد که در این راستا ۸۲ اتوبوس نو به ناوگان اتوبوسرانی

## جشن روز دختر با تأکید بر شایسته گرایی بانوان برگزار شد



در بدنه شهرداری حضور دارند که شایستگی تصدی پست های مدیریتی را دارند.

### پیشنهاد ایجاد اداره کل ویژه بانوان

منعمی با اشاره به اهمیت شایسته گرایی در مدیریت شهری، اظهار داشت: مطالبه بانوان برای حضور در جایگاه های تصمیم ساز و مدیریتی باید جدی گرفته شود. این یک خواسته صرفاً جنسیتی نیست، بلکه گامی جهت عدالت سازمانی و بهره گیری از ظرفیت های موجود است.

نائب رئیس شورای شهر کرج همچنین پیشنهاد داد: برای تمرکز بیشتر بر مسائل، دغدغه ها و نیازهای بانوان در سطح شهر و مجموعه شهرداری، راه اندازی اداره کلی ذیل حوزه شهردار ویژه امور بانوان ضروری است.

وی تأکید کرد: این اداره می تواند با برنامه ریزی

همزمان با فرا رسیدن روز دختر، مراسمی با حضور دختران شاغل در مدیریت شهری کرج، به همت سازمان بسیج شهرداری و حوزه شهید فائزه رحیمی برگزار شد.

به گزارش پایگاه خبری کرج امروز به نقل از پایگاه اطلاع رسانی شورای اسلامی شهر کرج، در این مراسم، مسعود محمدی رئیس شورای اسلامی شهر کرج، فاطمه منعمی نائب رئیس شورای شهر کرج، علیرضا رحیمی رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری و سرهنگ حشمت فیروز رئیس سازمان بسیج شهرداری حضور داشتند.

فاطمه منعمی در این برنامه با تبریک روز دختر، بر لزوم توجه جدی به نقش زنان در ساختار مدیریت شهری تأکید کرد و گفت: نباید نگاه به زنان در مجموعه های اداری تنها به عنوان نیروی اجرایی باشد. امروز بانوان توانمند، متخصص و با انگیزه ای

دقیق، مسیر توانمندسازی بانوان و ارتقاء جایگاه آنان را هموار کند. در پایان مراسم، از تمامی دختران شاغل در مجموعه مدیریت شهری تجلیل به عمل آمد.



هر ساله، پنجم ماه مه، جهان روزی را به پاسداشت ماماها اختصاص می‌دهد؛ روزی برای یادآوری نقش بی‌پدیل کسانی که نخستین حلقه تماس ما با زندگی هستند. اما در ایران، این گرمی داشت اغلب به چند جمله کلیشه‌ای در رسانه‌ها و یکی دو مراسم اداری محدود می‌شود، بی‌آنکه صدای واقعی این قشر، بازخمدن‌های پنهانش، شنیده شود.

در حالی که «ماما» در معنای دقیق کلمه، همراه و حافظ جان مادر و نوزاد است، در نظام بهداشت و درمان ایران، به حاشیه رانده شده است. بسیاری از ماماها، به‌ویژه در بخش خصوصی و مناطق محروم، از حداقل حقوق و امنیت شغلی محروم‌اند، و بار خدماتی سنگینی را بدون حمایت کافی به دوش می‌کشند. سال‌هاست که آن‌ها نه در سیاست‌گذاری‌های کلان سلامت جایگاهی دارند، نه در ساختار بودجه‌ریزی دیده می‌شوند.

جامعه ماماها از مهم‌ترین نیروهای خط مقدم سلامت مادر و کودک است. آن‌ها نه فقط در اتاق زایمان، که در آموزش جنسی، تنظیم خانواده، سلامت باروری، و حتی در تشخیص اولیه بیماری‌ها نقش دارند. با این حال، سیاست‌های ناعادلانه و تمرکز بیش از حد بر مداخلات بیمارستانی و تخصص‌گرایی، جایگاه ماما را تضعیف کرده است. در ایران، روند رو به افزایش سزارین که اغلب به دلایل غیردرمانی انجام می‌شود، یکی از نشانه‌های کنار زدن تدریجی ماماها از فرآیند طبیعی زایمان است. این در حالی‌ست که آمارهای جهانی نشان می‌دهد زایمان طبیعی با همراهی مامای حرفه‌ای، هم ایمن‌تر است، هم کم‌هزینه‌تر، و هم منجر به رضایت بیشتر مادران می‌شود. اما در نظام درمانی‌ای که سود، اولویت را بر سلامت مقدم می‌دارد، زایمان طبیعی و نقش ماما جایگاهی ندارد.

در بسیاری از مناطق روستایی یا حاشیه‌ای، ماماها تنها نیروهای بهداشت باروری‌اند. در نبود پزشک، این ماماها هستند که سلامت زنان، مشاوره‌های پیش از بارداری، مراقبت‌های دوران حاملگی و پیگیری‌های پس از زایمان را برعهده دارند. اما نه بیمه به‌درستی از آن‌ها حمایت می‌کند، نه تعرفه خدمات‌شان واقعی است، و نه حتی ساختار قانونی محکمی دارند که مانع از تهدیدهای صنفی یا قضایی بر آنان شود. همچنین با اجرای طرح پزشک خانواده، برخی از ماماها از سیستم حذف یا در نقش‌های دست‌دوم قرار داده شده‌اند. در حالیکه اصل عدالت در سلامت ایجاب می‌کند که این گروه حرفه‌ای، با آموزش تخصصی خود، بخشی از طرح‌های کلان سلامت کشور باشند، نه مهره‌های حاشیه‌ای. فراموش نکنیم مامایی، صرفاً یک شغل فنی نیست؛ بلکه حرفه‌ای انسانی، اخلاقی، و حتی فلسفی‌ست. ماما نه فقط با بدن مادر بلکه با اضطراب‌ها، ترس‌ها، امیدها و زخم‌های روانی‌اش سر و کار دارد. کار ماما، محافظت از تجربه‌ی زایمان است؛ تجربه‌ای که می‌تواند شکوفایی باشد یا ضربه‌ای روانی برای سال‌ها.

جای تأسف است که در نظامی که شعار سلامت‌محور می‌دهد، به‌جای تقویت جایگاه ماما، بسیاری از فارغ‌التحصیلان این رشته به شغل‌های نامرتبط یا مهاجرت سوق داده می‌شوند. این یعنی از دست‌دادن سرمایه‌ای انسانی که می‌توانست کیفیت زندگی هزاران زن و کودک را بهبود بخشد.

روز جهانی ماما، بهانه‌ای‌ست برای فریاد زدن یک حقیقت: سلامت زنان، بدون ماما، ناقص است. عدالت در نظام سلامت، از شنیدن صدای ماماها آغاز می‌شود؛ از تأمین امنیت شغلی، از دادن جایگاه حرفه‌ای واقعی، از احترام به تخصص، و از بازنگری در سیاست‌هایی که آن‌ها را به حاشیه می‌رانند. اگر بخواهیم تولد را جشن بگیریم، باید کسانی را هم ببینیم که هر روز در سکوت، مراقب آمدن زندگی‌اند. بدون آن‌ها، ناخودآگاه اولین نفس کودک، شاید هرگز شنیده نشود.



رهبر معظم انقلاب گفتند: حج برای منافع انسان‌ها است و هیچ منفعتی برای امت اسلامی بالاتر از اتحاد نیست. رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح گذشته در دیدار دست‌اندرکاران حج و جمعی از زائران بیت‌الله الحرام، هدف پروردگار از مقرر کردن فریضه حج را ارائه الگویی کامل و جهت‌دهنده برای اداره بشریت خواندند و گفتند: ترکیب و هیأت ظاهری این فریضه، کاملاً سیاسی و محتوای اجزای آن کاملاً معنوی و عبادی است تا منافع همه بشریت تأمین شود و امروز بزرگترین منفعت امت اسلامی «اتحاد و هم‌افزایی» برای حل مشکلات جهان اسلام است که اگر این اتحاد بود، مسائلی چون غزه و یمن رخ نمی‌داد.

## نظام‌مندی یا نابودی؟ انتخاب با ما است

درگیری میان ساکنان و مهمانان، و زخمی عمیق بر چهره زیست‌بوم‌هایی بود که میلیون‌ها سال برای شکل‌گیری‌شان زمان صرف شده بود. این رخداد، صرفاً یک «تجربه ناموفق» در تعطیلات نبود. بلکه نمایانگر فقدان چیزی بنیادی در ساختار مدیریتی کشور بود: نداشتن «گردشگری نظام‌مند». مسئله بر سر تعداد گردشگران نیست، بلکه فقدان مدیریت، برنامه‌ریزی بلندمدت، و نبود ساختارهای نظارتی و فرهنگی در حوزه گردشگری است.

از زاویه‌ای جامع‌شناختی، ما با شکل‌گیری نوعی «گردشگری توده‌وار و غیراخلاقی» روبه‌رو هستیم؛ وضعیتی که در آن، گردشگر نه کنشگری آگاه، بلکه مصرف‌کننده‌ای بی‌تعهد تلقی می‌شود. او می‌آید، لذت می‌برد، عکس می‌گیرد و می‌رود؛ بی‌آنکه بدانند بر خاک کجا ایستاده و کدام ریشه را از جا کنده است.

فقدان نظام‌مندی در سیاست‌های گردشگری، باعث شده مناطق حساس مانند هرمز، هنگام، ابوموسی یا فارور به راحتی قربانی بی‌برنامگی شوند. بدون در نظر گرفتن ظرفیت بوم‌شناختی، جریان گردشگری به یک «هجوم زیست‌کش» تبدیل می‌شود. خروج خاک‌های رنگی از جزایر، نه فقط یک تخلف زیست‌محیطی، که نوعی نماد فرهنگی از فقدان معنا در سفرهای امروزی ماست. در این میان، اقدام سازمان حفاظت محیط زیست برای شناسنامه‌دار کردن جزایر اقدامی ضروری و امیدوارکننده است. این شناسنامه‌ها می‌توانند به‌مثابه نقشه‌ای علمی برای پهنه‌بندی، ظرفیت‌سنجی و نظارت بر فعالیت‌ها عمل کنند. همان‌طور که مدیرکل دفتر حفاظت از زیست‌بوم‌های دریایی گفته، با این برنامه می‌توان فعالیت‌ها را قانون‌مند، قابل رصد و متناسب با ظرفیت زیستی مناطق کرد؛ اما حتی بهترین شناسنامه‌ها نیز در غیاب مشارکت مردمی، آموزش گردشگران، و نهادسازی برای گفت‌وگو میان دولت، مردم بومی و فعالان گردشگری بی‌نتیجه خواهند ماند. به همین دلیل است که باید از سطح فنی پروژه‌ها فراتر رفت و به یک «بازطراحی فرهنگی» اندیشید.



در اینجا مفاهیم فلسفی چون «اخلاق آینده‌نگر» (یوناس) و «بوم‌شناسی سیاسی» (برونو لاتور) اهمیت می‌یابند. ما نه تنها در برابر طبیعت، بلکه در برابر آینده و نسل‌های بعدی مسئول‌ایم. اما آنچه امروز در جزایر می‌گذرد، گویی نوعی فراموشی اخلاقی و تاریخی است. انگار که انگار که این خاک‌ها بخشی از هویت ملی‌اند. گردشگری بدون معنا، بدون اخلاق، و بدون برنامه، هر جا که برود، رد زخم بر جای می‌گذارد. اگر نگاهی تطبیقی به تجربه‌های موفق دنیا داشته باشیم، درمی‌یابیم که کشورهای موفق در گردشگری پایدار، نخست آموزش را محور قرار داده‌اند. در ایسلند، برای ورود به برخی مناطق، گذراندن دوره کوتاه آنلاین اجباری است. در ژاپن، ورود به معابد همراه با پرورشورهای اخلاقی است. در نروژ، بخشی از مالیات گردشگری صرف حفاظت از مسیرها و مناطق طبیعی می‌شود.

ما هم باید بیاموزیم که توسعه واقعی، نه در آمار ورود گردشگر، بلکه در نوع رابطه او با طبیعت و مردم بومی تعریف می‌شود. گردشگر آگاه، گنجینه‌ای برای منطقه است؛ گردشگر بی‌قانون، فاجعه‌ای متحرک. تا زمانی که نتوانیم «نظام‌مند کردن» را از شعار به راهبرد و از گزارش به کنش تبدیل کنیم، زیست‌بوم‌های شکننده‌ای چون جزایر خلیج فارس، یکی پس از دیگری در سکوت خواهند مرد. آن روز، دیگر نه خاکی برای بدن هست، نه تصویری برای ثبت کردن، و نه زمینی برای ایستادن.

«مهدی جمالی‌نژاد»- استاندار اصفهان - که این روزها بیش از همیشه بخشی از زمان استراحت خود را به موضوع زیرساخت‌های فرهنگی، نقش اخلاق در ورزش و مدیریت کلان ورزش استان اختصاص داده، در نشست خبری چهارمین دوره رقابت‌های کشتی جام جهان‌پهلوان غلامرضا تختی از احیای ورزش چوگان در میدان امام (نقش جهان) خبر داد. وی با اشاره به اهمیت تاریخی چوگان گفت: «ورزش چوگان را در خاستگاه اصیل آن، یعنی اصفهان، دوباره احیا خواهیم کرد».

جمالی‌نژاد افزود: «این ورزش جذاب و تماشایی، در هفته نکوداشت شهر تاریخی اصفهان، دومین دوره مسابقات خود را در میدان امام برگزار خواهد کرد. اما باتوجه به اینکه چوگان نخستین ورزش تیمی و گوی‌وتوپ در تاریخ شناخته می‌شود، در نظر داریم با احداث دهکده المپیک و «شهر ورزش» در مجموعه

ورزشگاه بزرگ المپیک اصفهان، میدانی اختصاصی برای این رشته ورزشی سنتی و ریشه‌دار در نظر بگیریم».

وی تأکید کرد: «ورزش اصیل چوگان که قدمتی بیش از ۲۵۰۰ سال دارد، شایسته احیا و توسعه در شهری چون اصفهان است».

### دومین دوره مسابقات چوگان در میدان امام

در پی سخنان مهدی جمالی‌نژاد، در نشست خبری رقابت‌های بین‌المللی جام جهان‌پهلوان تختی، روز پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت‌ماه، مسابقات چوگان به مناسبت هفته نکوداشت اصفهان در میدان امام (نقش جهان) برگزار شد.

در این رویداد ورزشی، چهره‌های برجسته‌ای چون دکتر جمالی‌نژاد استاندار اصفهان، عبدالله مؤذن‌زاده دبیر فدراسیون چوگان جمهوری اسلامی ایران، ایوب درویشی معاون سیاسی و اجتماعی استانداری، سیدمهدی صدری مدیرکل ورزش و جوانان استان، و جمعی از مسئولان استانی حضور داشتند. این



مسابقات، که با عنوان «بزرگداشت هفته اصفهان» برگزار شد، به همت شهرداری اصفهان، اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، و هیأت چوگان استان در میدان تاریخی نقش جهان برگزار شد و با استقبال پرشور علاقه‌مندان به این ورزش کهن همراه بود.

در پایان رقابت‌ها، تیم چوگان «آرخش شاهین‌شهر» موفق شد جام قهرمانی را از آن خود کند. همچنین، تیم‌های هیأت چوگان خمینی‌شهر و شهرستان برخوار به ترتیب به مقام‌های دوم و سوم دست یافتند.



ناصر شکری‌راد آهنگساز و از اعضای پیشکسوت کانون آهنگسازان سینمای ایران در ۶۹ سالگی درگذشت. زنده‌یاد ناصر شکری‌راد متولد ۱۱ شهریور ۱۳۳۵ در شمیران و از اعضای پیشکسوت کانون آهنگسازان سینمای ایران بود. وی دانش‌آموخته رشته هنر از دانشگاه تهران بود و فعالیت در سینما را با آهنگسازی برای فیلم‌های کوتاه و مستند در انجمن سینمای جوان آغاز کرد. شکری‌راد سال ۱۳۷۵ با آهنگسازی برای فیلم سینمایی «موشک کاغذی» پا به عرصه حرفه‌ای سینما گذاشت. وی برای فیلم‌هایی همچون درخت جان (۱۳۷۴)، روزی که خواستگار آمد (۱۳۷۵)، زن شرقی (۱۳۷۶)، سفر شبانه (۱۳۷۶)، دل‌باخته (۱۳۷۸)، قناری (۱۳۸۲)، مزرعه آفتابگردان (۱۳۸۲)، سیبل مردونه (۱۳۸۶)، دامنه‌های سفید (۱۳۹۱) موسیقی متن ساخته است؛ همچنین کتاب پرفروش «قطعه‌های ساده و آشنای موسیقی فیلم برای پیانو» یکی از آثار مکتوب شکری‌راد محسوب می‌شود.

# اپرایی تصویری برای انقلاب پرولتاریایی

پژمان خلیل‌زاده



یک اپرای پرولتاریایی زده است که از برآیند مارکسیسم-لنینیسم نشأت می‌گیرد. آنجایی که لنین تمامیت قدرت و ابژه انقلابی را در کالبد و وجهه شورانگیز توده می‌بیند، یانچو هم این آتراکسیون پر از قدرت را به مرکز ایستادگی و ظهور در برابر قدرت اهریمنی فئودالیسم و ملاکین رجعت می‌دهد. حرکت حلقه‌های جوانان به دور سربازان مزدور و ایجاد دوایر آهنگی با خواندن سرودهای پوشکین و مانیفست‌های انگلس و لنین، یک خوانش مارکسیستی تصویر را از هر جهت برای مخاطب ایجاد می‌کند. ویژگی اصلی که یانچو در «سرود سرخ» از آن بهره‌فرمی برده است استفاده‌ی بهینه از آتراکسیون برشتی در طول موج درام‌های سکانس‌هاست. آتراکسیون واژه‌ای است که آیزنشتاین برای تعریف منفرد و منحصرنفرده هر سکانس به‌شکل مجزا بکار می‌برد. حال هر سکانس از «سرود سرخ» یک آتراکسیون واحد است که در سیر ارتباط‌گیری‌اش با تماشاگر از دل و مدلول فاصله‌گذاری به‌سبک دراماتورژی برتولت برشت بهره می‌برد. در آکسیون‌هایی از میزانشن‌ها می‌بینیم که عملاً کاراکترها در مقابل دوربین با مخاطب به‌شکل مستقیم مونولوگ برقرار می‌کنند و تماشاگر را مخاطب کلمات تغزلی خویش قرار می‌دهند. فیلم‌ساز با شکل‌دهی ساختار حلقه‌ای پلات و کنسپت خود این مدل از ارتباط‌گیری را در دل ساختمان ضدپیرنگ خود بوجود می‌آورد تا فرم مدرنیستی‌اش اینگونه بتواند پرده‌های سوم و چهارم میان جهان انتزاع و واقع را بگسلد و ارتباط دو سویه میان متن زیبایی‌شناسی مارکسیستی به ارتباط قوه‌چندگانه معروف است که عمل نهایی‌اش یک دیالکتیک غیرخطی در راستای جهان کلی اثر است که فعالیت مخاطب را در بستر کنش‌مندی سوژگی اثر دخیل می‌کند. ما در «سرود سرخ» پس از پیمودن بخشی از مسیر، ناگهان وارد کنشگرایی عام فرماسیون یانچو می‌شویم و به‌شکل ناگزیر، سوژه انقلاب در بطن حضور فعال ما شکلی جدید به خود می‌گیرد. این یکی از شیوه‌های مهم هنر مدرنیستی است که بخصوص در امر سینما، ابژه‌سازی آن با پارادایم‌های مختلف دارای اشکال فرمی گوناگون است.

«سرود سرخ» مرتبه‌ی راهی و اپرای خلق همیشه در رنج است که هربار در شکلی از تکرار ماتریالیستی تاریخ ظهور خواهد کرد و آرمان پرولتاریا را تا ابد بر پهنه عدالت انسانی حک می‌کند.

انقلاب: اعتصاب/زمن‌او پوتمکین/اکتبر: ده روزی که دنیا را تکان داد/برآمده و یانچو آن را تبدیل به فرم خود کرده است. اگر در «اعتصاب» آیزنشتاین این خلق پرولتاریای کارگری هستند که بر امر فئودالیسم صنعتی می‌شورند و آیزنشتاین با مونتاژ دیالکتیکی خود، صحن انقلاب سرخ را به داخل کارخانه می‌آورد، از این سو، یانچو همین پارادایم بصری را به قلب دشت یوژتا و مزارع زیر یوغ فئودالیسم کشاورزی برده و امر غالب سوسیالیسم و قدرت برانگیختگی پرولتاریای رنجبران را با دیالکتیک کردن حجم کنش و مونتن آوایی، اینگونه به‌شکل انقلابی به‌تصویر درمی‌آورد.

اما تمامی این المان‌ها در یک واریاسیون مهم سینمایی یانچودخیل است و آن وجهه چهارم فرمالیسم سوسیالیستی این فیلم‌ساز انقلابی مجار است؛ امر مدلول‌بودن دوربین به‌مثابه پلان-سکانس. یانچو با قرارداد قدرت دیافراگم خیره خود که عنصر کات را در مدلاسیون تکنیکی خود با فواصل زمانی بلند، هم‌تراز می‌کند، سیر گذر زمان را به چالش لاتنگ‌تیک دعوت می‌کند و عمق تصویر را با رئالیسم مدل سینماچشم‌زیگا ورتوف درهم می‌آمیزد، اما دوربین یانچو همانطور که بسان دوربین آیزنشتاین و داوژنکو مقلد نیست و در دام متورانشن تقلبی نمی‌افتد، در این بخش هم تماماً همانند منظرگاه دیافراگمی ورتوفی به صحنه و امر میزانشن نمی‌نگرد، بلکه فقط شکل تناوبی حرکت دوربین همچون ورتوف در جایگاهی از تحرک نمایه‌ما قرار دارد و مرز بین رئالیسم و سوسیالیسم را به هم نزدیک می‌کند، اما در خلال این دو عامل یک عامل سوم هم وجود دارد که همین المان سینمای یانچو را اقتدر خاص کرده است؛ اینکه تحرک پلان-سکانس برای ضبط عریان ریالیته به‌مثابه آرمان سینما-ورپته نیست. یانچو از پس این اپرای بصری با هم آمیخته‌شدن ساختار دراماتورژی ضدپیرنگی‌اش، یک اثر ثابت در دل خلاء زمان بوجود می‌آورد تا جایی که لحن اثر به یک رئالیسم جادویی پهلوی می‌زند. گویی تمام این آدم‌ها در شکلی از فانتزیسم خواب‌آلودی قرار گرفته‌اند که میزانشن دشت یوژتا همان آرمان اترسوسیالیسم انتزاعی است که فیلم‌ساز ما بنا بر همان متن آرمانی فردریش انگلس از رویای متروپلیس کمونیسم دارد مدحیه‌سرایی می‌کند. از منظر خردگرایی و راسیونالیسم انقلابی اگر به «سرود سرخ» بنگریم هر چه خواهیم دید عشق به وطن و ایستادگی در برابر نیروی خصم است که با شیواترین روایت بصری به تغزل فیلمیک درآمده است. یانچو در این‌جا دست به خلق

مفهومی را بجای دیالوگ، به مونولوگ تغزلی بدل می‌کند که حلقه‌های به‌پا خواسته همه‌اش تنیده به این دستان گردشده و به‌هم‌پیوسته‌ای است که سرود سرخ پایداری را در طول و عرض دشت یوژتا سر می‌دهند و سراسر برای التیام آرمانشان از جان‌وخون خود هم می‌گذرند. ما در متون اشعار، مصرع‌هایی از پوشکین و گورکی را می‌شنویم که از اهمیت بالای خلق، سخن می‌گویند و در جایی که یک حلقه از جوانان انقلابی روستا دور یکدیگر جمع شده‌اند، یکی از آن‌ها سخنانی بس عمیق و پرطمطراق را به‌زبان می‌راند که سراسر با آوردن نام «فردریش انگلس»، طومار این تغزل انقلابی را به پایان می‌رساند. یانچو در تراکنش منظم بین حرکت دوربین و ایجاد تناژها در مونتن آواها، یک امر دیالکتیکی بوجود می‌آورد که این موضوع برگرفته‌شده از فرم الکساندر داوژنکو است که با رئالیسم سوسیالیستی جمعی، آن‌هم پر پهنه دشت‌های زراعی اشتراکی که ما را به‌یاد سکانس‌های مزرعه در «دن آرام» سرگنی گراسیموف می‌اندازد. نحوه مونتاژ بین این دیالکتیک، یک برهم‌کنش تعاملی را خلق می‌کند که خروجی‌اش همان انقلاب سرخ و بطن چالش‌برانگیز پیام رفیق اولیانوویچ لنین است. یانچو ارادت ویژه‌ای به لنین دارد و آنجا که لنین در رساله «هنر و خلق» می‌گوید: «این نشانه جادوان هنر است که از نحله جوشان خلق برمی‌آید و قدرت خاموش پرولتاریا را به فانوس راه عدالت تبدیل کند». در اینجا می‌توان براساس این گفته رفیق لنین، «سرود سرخ» را همان فانوس دلالت‌گر و روشنایی‌بخش جنبش سرکوب‌شده خلق رنجبر درنظر گرفت که این‌بار با همسان‌شدن امر آوایی و تضاد بصری آمده است تا شکلی جدید از استقامت انقلابی را به نمایش بگذارد. یانچو به‌خوبی درس‌های خود را از داوژنکو فرا گرفته و آن را در این فیلم پیاده کرده است. کارکرد مونتن‌های صدا همان عملی را انجام می‌دهد که دلالت آواها در تصویر رئالیسم سوسیالیستی داوژنکو می‌آفریند. یانچو که یک سوسیالیست است به‌خوبی تراکنش هنر سوسیالیستی را درک کرده و می‌داند که تک‌تک پارامترها در چنین هنری در خدمت انقلاب و به‌پاخواستن تصویر خلق هستند.

دومین المان مهم در بدنه فرمالیستی «سرود سرخ» عامل‌های فعال کاراکتری در دل آشوب هستند که همه‌چیز را در مقدمه و قدم نخست به شکل‌گیری تهاجمی تبدیل می‌کنند و سپس عامل سوم که فعالیت جمع و پروتاگونیست تجمیعی باشد، به ظهور بصری و فرمال می‌رسد. این دو پارامتر دقیقاً در فرم یانچو در دنباله‌ی هم به‌منصه‌ظهور خواهند رسید؛ یعنی بدین‌صورت که ابتدا کاراکترها اولاً در راستای تحقق فردی‌شان به یک جمع می‌پیوندند و سپس دلالت موضوعی از پس زیرمتن که همان کنش مونتن آوایی است، عمل و فعالیتشان (اکت انقلابی) به‌شکلی از غرور سوسیالیستی تبدیل می‌شود و سپس در مرحله بعدی خروجی چنین سنتزی، همان فعالیت در ابژه جمعی است و اینجا دقیقاً مرحله‌ای از بخش فرماسیون «سرود سرخ» می‌شود که ما با یک پروتاگونیست جمعی طرفیم، به‌بیانی، می‌توان اینطور گفت که از فعالیت و کنش خرد فردی به فعالیت تجمیعی می‌رسیم و به‌همین دلیل است که در آثار یانچو (بخصوص فیلم‌های دهه ۶۰ و ۷۰) عموماً این جمع هستند که نقش قهرمان را بازی می‌کنند و دلالت قهرمان‌بودن بر یک پرسوناژ دخیل نمی‌شود. یانچو طرفدار پارادایم قدرت پروتاگونیستی خلق و توده است که دقیقاً این موضوع از سینمای انقلابی آیزنشتاین (بخصوص سه‌گانه

دوربین با برداشت بلند دور یک چرخه‌ی دایره‌ای، میزانشنی پرسیلایت را طی کرده و صحنه را بطور آهنگینی خلق می‌کند که دکوپاژ به چشم می‌آید و فرم از پس چنین نظم‌ی زایش می‌گردد. سینمای یانچو اینچنین برای مخاطبش تمامیت سوژه و ابژه را به‌شکل غایی تبدیل به محتوا می‌کند و حس توانما را احساس قدرت و استقامت را بوجود می‌آورد.

مسئله اصلی در سینمای یانچو و بخصوص فیلم «سرود سرخ»، طرح مسئله مهمی است که از آیزنشتاین تا ژیکا ورتوف و از داوژنکو تا گراسیموف بوقوع پیوست؛ این مسئله، چالش انقلاب بزرگ اکتبر در ۱۹۱۷ بود که تمام این سینماگران انقلابی به آن وفادار بودند و آن را به‌منصه‌ظهور نگاتیو درآوردند. در «سرود سرخ» ما با واریاسیونی از چهار بخش و چهار نگاه اختلاطی طرفیم که آن را بصورت توانما می‌توانیم در یک سیر منظم و سیستم نمایشی ببینیم که سرجمع همین موضوع ساختمان فرمالیستی میکولوش یانچو را می‌سازد. طرح بحث انقلاب سرخ مسئله نمادینی است که برای سینماگران دغدغه‌مدار اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی همیشه وجود داشته و آن را به اشکال گوناگون به‌تصویر کشیده‌اند. یانچو در «سرود سرخ» که برآیندی تجمیعی از سه‌فیلم خود در دهه شصت است، تمامیت ابژه فداکاری و ایستادگی در برابر ظلم فئودالیسم و تزاریسم موجود را به‌تصویر ترجمه می‌کند و دراماتورژی خاص خود را به‌شکل آهنگینی در پرده سینما به‌نمایش می‌گذارد. فیلم‌ساز با گزیده‌برداری از مفاهیم انقلاب سوسیالیستی به‌نبال بازنمایی تصویری تاریخی است که تمام آن مباحث و گفتمان‌های ارزش‌مدارانه را به‌تثبیت فرم برساند و درنهایت، به خروجی ماندگاری از خلق پرولتاریا دست پیدا کند. حال می‌خواهیم گوشه‌هایی از این خلقت بصری را با هم به‌نظاره بنشینیم و ببینیم که چگونه هنرمند می‌تواند از پس ایدئولوژی یک فرماسیون هنری خلق کند.

«سرود سرخ» در باب اعتصاب و شورش روستاییانی در مجارستان است که علیه دستگاه تزار به‌پا خواسته‌اند و می‌خواهند امر مقدس انقلاب را به کرسی بنشانند. فیلم در کلیت خود بر چندین عامل بصری پابرجاست که از دل آن به محتوای موردنظر می‌رسد:

۱. امر دلالت‌گر مونتن‌های آوایی
۲. عامل‌های فعال کاراکتری در دل آشوب
۳. فعالیت جمع و پروتاگونیست تجمیعی
۴. امر مدلول‌بودن دوربین به‌مثابه پلان-سکانس

این چهار عامل پیش‌رو در کلیت ساختار «سرود سرخ» تبدیل به واریاسیون‌های فرمال و سپس محتوایی می‌شوند که از تجمیع آن‌ها ایدئولوژی انقلاب برای مخاطب به این پدیده پیش‌ساخته بدل گشته و آن را تماماً از پس پرده استخراج می‌کند. مهم‌ترین عاملی که در کلیت فیلم از ابتدا تا انتها بر تصویر ضمیمه است پخش آواها و اشعاری است که این کشاورزان رنجبر بر پهنه تصویر به زبان جاری می‌کند و بارها و بارها شکل ساختاری مونتن‌های صدا حتی نحوه حرکت کاراکترها و حلقه‌های درهم‌تنیده بینشان را شکل می‌دهد. تک‌تک اشعار به‌شکل مضمونی در باب حماسه انقلاب اکتبر است که قلب تپنده‌اش در داس و چکش به دستان خلق پرولتاریا است و آن‌ها همه‌چیز را از پس ایستادگی‌شان بوجود می‌آورند. اشعار با وصف قهرمانی و شکوه و قدرت توده مردم این دلالت



## انرژی

«وزیر صمت»:

## نحوه توزیع محدودیت های تامین

## برق بازنگری شود

وزیر صنعت، معدن و تجارت خواستار بازنگری در نحوه توزیع محدودیت های تامین برق شد و گفت: بخشی از برنامه مدیریت مصرف برق باید به سایر بخش ها مانند خانگی و تجاری منتقل و مسیر توسعه تولید هموار شود. سید محمد اتابک در نشست هم اندیشی مشترک میان وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت نیرو با حضور عباس علی آبادی وزیر نیرو و سایر مدیران ارشد این وزارتخانه، بر ضرورت بازنگری در نگاه های کلان کشور به ارزش تولید و سرمایه گذاری در بخش انرژی به ویژه صنعت برق تأکید کرد. وی با اشاره به تلاش شبانه روزی کارکنان صنعت برق برای تأمین پایدار برق کشور، ادامه داد: با وجود زحمات قابل تقدیر کارکنان صنعت برق به ویژه در بخش تولید، در حال حاضر مشکل اصلی نیروگاه های کشور، کاهش گردش مالی و کاهش جذابیت سرمایه گذاری در صنعت برق است، مسئله ای که بدون اصلاح آن نمی توان به تأمین پایدار برق در بلندمدت امیدوار بود.

وزیر صمت با بیان اینکه سالانه حدود هفت درصد به ظرفیت تقاضای برق کشور افزوده می شود، گفت: سال های اخیر تأمین مالی پروژه های نیروگاهی متناسب با این رشد تقاضا افزایش نیافته و در کنار آن عواملی چون خشکسالی، افزایش دما و سایر شرایط جوی باعث شده تا ظرفیت تولید برق با نیاز واقعی هم خوانی نداشته باشد.

اتابک خاطرنشان کرد: صنایع کشور نقش مهمی در رونق اقتصادی و اشتغال زایی دارند و در سال های گذشته به دلیل ناترازی مزمن در حوزه انرژی با چالش های جدی روبه رو شده اند.

وی افزود: در سال جاری، با توجه به شعار سال و تأکیدات رهبر معظم انقلاب و ریاست محترم جمهوری بر حمایت از تولید، باید موضوع تأمین برق پایدار به عنوان یکی از مهم ترین موانع پیش روی تولید به طور جدی پیگیری و برطرف شود.

وزیر صمت از حمایت این وزارتخانه از برنامه های وزارت نیرو برای توسعه انرژی های تجدیدپذیر خبر داد و گفت: وزارت صمت آمادگی دارد با تسهیل فرآیندهای ثبت سفارش، تأمین ارز و واردات تجهیزات مسیر سرمایه گذاری در حوزه انرژی های نو را هموار کند.

اتابک خاطرنشان کرد: وزارت نیرو و وزارت صمت لازم و ملزوم یکدیگر هستند و فقط با همکاری و هم افزایی این دو وزارتخانه می توان چالش تأمین برق صنایع را مدیریت کرد.



## حمید رشید

انفجار و آتش سوزی در بندر شهید رجایی، تنها یک «حادثه» نبود؛ نمایشی عریان از بحران مدیریت، کمبود امکانات زیرساختی، و انکار مزمن مسئولیت در نظام حمل و نقل و گمرک کشور بود. انفجاری که بوی دود آن فقط در هوای بندر نیچید، بلکه به سرعت سوالاتی را به میان افکار عمومی آورد: چه کسانی مسئول اند؟ چرا هشدارها جدی گرفته نشد؟ و آیا وزیر راه باید بر مسند بماند؟

دبیرکل خانه صنعت، معدن و تجارت ایران، در اظهاراتی کم سابقه، علت وقوع این فاجعه را «کمبود امکانات گمرکی، رعایت نکردن اصول نگهداری، و انباشت بی قاعده کانتینرها» دانست. او حتی فراتر رفت و از «خطای انسانی سیستماتیک» سخن گفت؛ عبارتی که باید آن را جدی گرفت، چرا که نه تنها از یک اشتباه مودی حکایت ندارد، بلکه از فساد ساختاری و ناکارآمدی مزمن خبر می دهد.

## کمبود امکانات، فراتر از یک توجیه فنی

واقعیت آن است که بندر شهید رجایی سال ها است با معضل تراکم کالا، تأخیر در ترخیص، کمبود تجهیزات ایمنی و ناکارآمدی در انبارداری مواجه است. این بندر دروازه حیاتی تجارت ایران با جهان است، اما با زیرساخت هایی شکننده و نیروهایی که به ندرت آموزش دیده اند، همچون انبار باروتی عمل می کند که فقط منتظر جرقه ای است. حالا که آن جرقه زده شده، آیا وقت آن نیست که به جای فرافکنی، به ریشه ها نگاه کنیم؟ مسئولان گمرک، به ویژه در بندر رجایی، باید پاسخ دهند چرا در محوطه ای که پر از مواد قابل اشتعال است، سیستم اطفای حریق ناکارآمد بوده؟ چرا هیچ گونه مانور ایمنی برگزار نشده؟ و چرا آموزش پرسنل، امری فراموش شده بوده است؟ پاسخ به این سوالات نه فقط از منظر فنی، بلکه از حیث انسانی و حقوق شهروندی ضروری است.

## آیا وزیر راه باید بماند؟

اکنون که برخی نمایندگان مجلس از زمزمه های استیضاح وزیر راه، فرزانه صادق، سخن می گویند، بخشی از رسانه ها تلاش می کنند این بحث را «انحرافی» جلوه دهند و از «مسئولیت گمرک» حرف بزنند. اما آیا چنین دوگانه سازی ای، جز پاک کردن صورت مسئله، نتیجه ای دارد؟

وزیر راه و شهرسازی، فارغ از اینکه شخصاً در لحظه انفجار مسئولیتی مستقیم داشته یا نه، مسئول سیاست گذاری، نظارت، و ایجاد زیرساخت های ایمنی در بنادر کشور است. وقتی بندر شهید رجایی در محدوده مسئولیت های کلان وزارتخانه اش قرار دارد، استیضاح، نه «قربانی سازی»، بلکه یکی از مکانیسم های دموکراتیک برای پاسخگویی است. حتی اگر سهم گمرک هم برجسته باشد، باز هم مجموعه ای از وزارتخانه ها درگیر هستند و نمی توان مسئولیت ها را به گردن یکدیگر انداخت.

از مهم ترین نقاط ضعف ساختاری کشور، نبود فرهنگ

## آتش بی پاسخ

پاسخگویی است. در بسیاری از کشورهای دنیا، وقوع چنین فاجعه ای به استعفای فوری یک یا چند مقام ارشد می انجامد. اما در ایران، اغلب از فاز انکار آغاز می شود و نهایتاً در یک گزارش مبهم، بی نتیجه رها می شود. با گذشت چند هفته از انفجار بندر، نه فقط گزارش دقیقی منتشر نشده، بلکه حتی سازوکار مشخصی برای جبران خسارت ها یا اصلاح ساختارها اعلام نشده است. آیا وقت آن نرسیده که کمیته ای حقیقت یاب و مستقل از ساختارهای رسمی تشکیل شود تا ابعاد این فاجعه را واکاوی کند؟ آیا قرار است همه چیز به جلسه ای در مجلس و چند اظهار نظر رسانه ای ختم شود؟ بازسازی اعتماد عمومی نیازمند چیزی بیش از گزارش های بی اثر است؛ نیازمند اقدام شفافیت، و تنبیه مقصران است.

## بندر، آیین اقتصاد بیمار

حادثه بندر شهید رجایی صرفاً یک انفجار فیزیکی نبود؛ انفجار نمادینی از وضعیت بحرانی زیرساخت های تجاری و صنعتی کشور بود. امروز کشتی ها در صف ورود و تخلیه کالا می مانند چون ظرفیت بندرها تمام شده؛ کالاها روی هم تلنبار می شوند، چون انبار استاندارد نداریم؛ و خطر در کمین است، چون ایمنی قربانی کمبود منابع شده است. در اقتصادی که با تحریم های مزمن و بحران مدیریت روبروست، بنادر باید پایگاه های امن و حرفه ای باشند، نه مین گذاری های بی صدا. انفجار شهید رجایی زنگ هشدار بود؛ هشدار که اگر جدی گرفته نشود، می تواند در بندر بعدی یا حتی نقطه ای دیگر از زیرساخت های ملی تکرار شود.

حادثه انفجار در بندر شهید رجایی را نمی توان به خطای فردی یا یک نقص فنی تقلیل داد. این رخداد، نشانه ای است از ضعف سیستماتیک در ساختارهای فنی، مدیریتی، آموزش، و ایمنی کشور. پاسخگویی و شفافیت، ابتدایی ترین حق مردم در چنین فاجعه ای است و مجلس، رسانه ها و نهادهای مدنی باید بر مطالبه پاسخ و اصلاح ساختار اصرار بورزند.

## نمی توانی پاسخگو باشی؟ برو!

وزیر راه و شهرسازی، فرزانه صادق، نه تنها باید پاسخ دهد که دقیقاً چه اقدام عملیاتی در قبال ایمنی بنادر انجام داده، بلکه موظف است روشن کند که اساساً رویکرد مدیریتی اش در برابر بحران هایی از این دست چیست. سکوت، فرافکنی، یا ارجاع به ناکارآمدی های انباشته شده گذشته، مصداق همان منطق درماندگی سیستماتیک است که امروز به فاجعه ختم شده است. مدیری که در میانه ی بحران، صرفاً نقش «ناظر بیرونی» را برای خود قائل می شود، به واقع دیگر «مسئول» نیست، بلکه صرفاً عضوی از دستگاه بوروکراتیک است که فاقد اراده و شجاعت تصمیم گیری است.

از منظر فلسفه مسئولیت، آنچه در برابرمان قرار دارد، نوعی «پاسخ ناپذیری اخلاقی» در سطوح بالای قدرت است. هانس یوناس، فیلسوف اخلاق، مسئولیت را نه صرفاً در پاسخگویی به پیامدها، بلکه در پیش بینی فاجعه می بیند. اگر مدیری نمی تواند از منابع و اطلاعاتی که در اختیار دارد، خطر قریب الوقوع را تشخیص دهد و برای آن



تدبیر کند، در اصل وظیفه اخلاقی اش را نقض کرده است. خانم صادق به عنوان وزیر راه، حتی اگر مستقیماً مسئول نگهداری کانتینرها نباشد، اما در مقام عالی ترین مقام سیاست گذار در حوزه حمل و نقل، مکلف بوده از زیرساخت ایمنی و ظرفیت های بحران پذیری بندر شهید رجایی آگاه باشد و برای آن راهکار داشته باشد.

در بُعد جامعه شناختی، انفجار در بندر را باید در چارچوب شکاف ساختاری میان «قدرت» و «پاسخگویی» تحلیل کرد؛ جایی که مناصب، نه بر اساس شایستگی، که بر پایه ملاحظات سیاسی و توازن های جناحی توزیع می شود. اینجاست که «نهاد قدرت» از «نهاد کارآمدی» جدا می افتد و نتیجه اش چیزی جز وقوع فاجعه های تکرار شونده نیست. وقتی وزیر راه به جای ایستادن در برابر افکار عمومی و اعلام صریح کاستی ها و مسئولیت ها، پشت ساختارهای دیگر پنهان می شود، این یک سیگنال منفی برای جامعه است؛ اینکه بحران ها در ایران نه باعث شفاف سازی، بلکه موجب پیچیده تر شدن بازی فرافکنی و سرپوش گذاری می شوند.

مسئله فقط استعفا یا استیضاح فرزانه صادق نیست؛ بلکه بازخوانی بنیادینی است از مناسباتی که در آن، فردی بدون سابقه تخصصی قابل اتکا در حوزه حمل و نقل، به یکی از حساس ترین مناصب اجرایی کشور منصوب می شود. ما باید بپرسیم: آیا در کشوری با این حجم از بحران های زیرساختی، جایی برای آزمون و خطا با مدیرانی وجود دارد که نه با تخصص، بلکه با روابط و فشارهای سیاسی به سطوح بالا رسیده اند؟ بندر شهید رجایی، در این معنا، نه فقط یک منطقه صنعتی، بلکه آیینی از ترک های عمیق مدیریتی و بی اعتمادی اجتماعی است. به زبان ساده، اگر وزیر راه برنامه ای عملی، قابل اجرا و با زمان بندی دقیق برای ایمن سازی بنادر، افزایش آموزش، توسعه زیرساخت ها، و اصلاح فرآیندهای گمرکی ندارد، نه تنها باید استعفا دهد، بلکه باید از سوی مجلس، رسانه ها و جامعه مدنی مورد پیگرد پاسخگویی قرار گیرد. وقت آن است که کابینه دولت، به جای چیدمان سیاسی، به بلوک های تخصصی، شجاع و مسئول متکی شود؛ چرا که تاوان سهل انگاری ها را دیگر نه مسئولان، که کارگران بندر، با گوشت و استخوان خود می پردازند.

## آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - کرج (نوبت اول)

برابر رای شماره ۲۶۸/۰۹۰۳۳۱۰۰۳۶۰۱۴۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی اکبر الهیاری قلعه جوقی فرزند اسماعیل به شماره شناسنامه ۱۷۵۳ به صورت اعیان شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۲۰/۶۸ مترمربع مفروز از اعیان پلاک ۵۸ فرعی از ۱۶۲ اصلی واقع در کرج خریداری از مالک رسمی آقای جبرئیل عالی شانی چقوش به طور قولنامه ای که مالکیت نامبرده در جریان ثبت می باشد، محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۲۲۰۲۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۲/۳۰

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک کرج

## شکاری به پرسپولیس می‌رود؟

هافبک تیم فوتبال سپاهان احتمالا فصل آینده پیراهن پرسپولیس را بر تن خواهد کرد. با رسیدن به اواخر فصل و درحالی که هنوز فصل نقل‌وانتقالات رسماً آغاز نشده، مذاکرات میان باشگاه‌ها و بازیکنان مدنظرشان داغ دنبال می‌شود. در این بین از باشگاه پرسپولیس که این روزها در سکوت مطلق خبری مذاکرات خود را پیگیری می‌کند، خبر می‌رسد که این باشگاه با رضا شکاری برای پیوستن به این تیم به توافق نهایی رسیده اما یک مشکل بزرگ بر سر این انتقال است. این بازیکن در فروردین امسال قراردادی را برای یک سال دیگر با سپاهان تمدید کرده و این موضوع شاید باعث شود پروژه انتقال او به پرسپولیس با شکست روبه‌رو شود.



## ورزشی

## دنیای سوادار

دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۰۵

## خارج از گود

هفته بیست و هشتم لیگ برتر زیر ذره بین «دنیای هوادار»؛

# برکال‌تراختور



## حسن صانعی پور

قهرمانی و موفقیت یک جریان است. جریانی که در آن کمترین نوسان، بیشترین ثبات و متعادل‌ترین حرکت از آیت‌های اصلی آن محسوب می‌شود. این جریان در فوتبال نیز صادق بوده و شرایط دیگری نیز بدان مربوط است؛ شرایطی چون تمرکز، استفاده حداکثری از شانس‌های بوجود آمده و داشتن مهره‌های کارآمد در حوزه مدیریت، کادرفنی و بازیکن بزرگ را می‌توان از مقدمات قهرمانی و موفقیت در فوتبال تلقی کنیم. اگر پرسپولیس چندین سال متوالی قهرمان ایران شده است، اگر استقلال در فصلی نوستالژیک بدون شکست جامدار می‌گردد و اگر تراکتور بالاخره به آرزوی دیرینه خود دست می‌یابد، علت اصلی و غایی آن را باید در موارد مذکور جست‌وجو کنیم. در ادامه نگاهی به هفته بیست و هشتم بیست و چهارمین دوره لیگ برتر فوتبال ایران که منجر به قهرمانی زود هنگام پرسپورهای تبریز و بوجود آمدن شرایط ویژه در صدر و قعر جدول گردید، می‌اندازیم؛

## تراکتور بالاخره قهرمان شد

تراکتور با چهارگل شمس آذر قزوین را در قزوین درهم کوبید تا به لطف شکست سپاهان، قهرمانی خود را قبل از پایان لیگ جشن بگیرد. اتفاقی که تبریزی‌ها سال‌هاست دنبال آن بوده اما به دلایل عدیده موفق به کسب آن نشده‌اند. اما دلایل عمده قهرمانی زود هنگام شاگردان اسکوپچیچ را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود؛ ابتدا استخدام سرمربی مناسب، دوم یارگیری بر اساس نیازهای تیم و سوم مدیریت کارآمد و توانا از دلایل عمده این اتفاق تاریخی است. اسکوپچیچ با سابقه حضور در فوتبال ایران و تجربه موفق مربیگری در تیم ملی دو ویژگی خاص را در خود نهفته داشت؛ او با فوتبال ایران و پیچ و خم آن آشنایی کامل دارد و از همه مهم‌تر اینکه حادثه اخراج او از تیم ملی انگیزه مضاعفی برای اثبات شایستگی‌هایش در وی ایجاد کرده بود. از طرفی حفظ بازیکنان تاثیرگذار فصل قبل و اضافه شدن ستاره‌های چون علیرضا بیرانوند، دانیال اسماعیلی و مهدی ترابی که از ارکان قهرمانی پرسپولیس در فصول قبل بودند، عمق ترکیب و ذهنیت این تیم را به طور کامل تقویت کرده بود. در زمینه مدیریت نیز نژوزی به عنوان مالک باشگاه هرگاه مشکلی در روند رو به رشد تراکتور بوجود می‌آمد، وارد عمل می‌شد و به سرعت راه حل برون رفت را پیدا می‌کرد. مشکلاتی چون قرارداد بیرانوند و شکایت پرسپولیس، بحران‌های معمول میانه فصل که هر ساله گریبانگیر این تیم می‌شد و حذف از آسیا که شرایط را برای آنان سخت‌تر کرده بود، از جمله مواردی است که توسط مدیریت تراکتور، قبل از تبدیل شدن به بحران، شناسایی و به بهترین وجه ممکن مرتفع گردید. آری تراکتور بالاخره قهرمان شد و این تیم اگر تابستان هوشمندانه‌ای را پشت سر بگذارد و تصمیمات عاقلانه و حرفه‌ای بگیرد در لیگ نخبگان نیز حرف‌های زیادی برای گفتن خواهد داشت.

امیدواری پرسپولیس به کسب سهمیه

قرمزپوشان پایتخت در یک نیمه، نسخه مس رفسنجان در آستانه سقوط را پیچیدند و هواداران خود را به کسب نایب قهرمانی لیگ امیدوار کردند. رتبه‌ای که حکم به حضور آنان در مرحله پلی‌آف لیگ نخبگان داده

و آسیایی شدن آنان را متصور می‌کند. البته مشکل هفته‌های انتهایی شاگردان کارنال بیشتر از آنکه فنی باشد، روحی و روانی است. این تیم بعد از باخت به سپاهان کاملاً از شرایط ایده‌آل خارج شده و حتی در بازی با مس رفسنجان نیز در نیمه دوم تیمی دست و پا بسته نشان داد. با این حال این تیم مهم‌ترین بازی انتهایی لیگ خود را در هفته بیست و نهم مقابل خیبر خرم آباد تجربه خواهد کرد؛ خبری که خود را در اولین دوره حضورش در لیگ برتر حفظ کرده و البته نیم نگاهی به رتبه شش جدول دارد. از طرفی بازی در خرم‌آباد برای هر تیمی سخت بوده و قرمزپوشان قصد دارند فاصله خود را در این هفته با سپاهان حفظ کرده و همه چیز را به هفته آخر لیگ موکول کنند. جایی که پرسپولیس با هوادار به احتمال فراوان سقوط کرده بازی داشته و طلایی‌پوشان در دیداری سخت با استقلال احیا شده رقابت خواهند کرد.

## سپاهان آسیا را دوست ندارد

سپاهان دومین باخت فصل خود را در حساس‌ترین مقطع لیگ مقابل گل‌گهرسیرجان متقبل شد تا این موضوع را به ذهن دوستداران فوتبال کشور متبادر کند که این تیم جوان حضور در آسیا و مسابقات سطح اول این قاره را دوست ندارد. یازده تساوی ناامید کننده نیز این جریان را پرنگ‌تر کرده و حالا شاگردان کاترون که گویا بیشتر از بازیکنان و هواداران این تیم ناامید شده است، باید در دو هفته سخت انتهای فصل، ابتدا به مصاف هواداری برود که آخرین بخت خود را برای بقاء در این دیدار جستجو کرده؛ «هرچند با توجه به شرایط جدول باید هوادار را سقوط کننده قطعی تلقی کنیم» و سپس با استقلال متحول شده مجتبی جباری در هفته سی‌ام دست و پنجه نرم کند. با این حال سپاهان در صورت کسب چهار امتیاز «یک برد و یک تساوی» نیز آسیایی خواهد شد.

## عقد گشایی استقلال در آخر لیگ

در هفته‌هایی که هواداران استقلال به نتیجه نگرفتند تیمشان عادت کرده بودند، آبی‌پوشان با حضور مجتبی جباری در رأس این تیم دو بُرد حیاتی بدست آورده و ضمن ارتقاء رتبه خود و امیدواری به کسب رتبه ششم در انتهای لیگ، در جام حذفی نیز شانس خود را برای قهرمانی حفظ کردند. اما خوشبینانه‌ترین هوادار این تیم نیز نمی‌توانست حدس بزند، شاگردان جباری در آزادی تیم مجتبی حسینی که بسیار منظم و با

برنامه بازی می‌کند را با پنج گل راهی اراک کنند. اما اعتمادبه‌نفس از دست رفته استقلال با حضور جباری و کادرفنی جدید به این تیم بازگشته و به تعبیری آنان در دیدار با آلومینیوم اراک عقده گشایی کردند. با این تفاسیر باید ادامه لیگ و نیز جام حذفی را برای استقلال به طریق دیگری تفسیر کرد. آبی‌پوشان ابتدا باید با چادرملو رده نهم مبارزه کرده تا شاید به یک‌قدمی ملوان و ذوب آهن برسند و سپس در هفته آخر لیگ سوپر الکل‌اسکیوی ایران را مقابل سپاهان برگزار کرده و در صورت بُرد، جشن آسیایی شدن رقیب سنتی خود را از تلویزیون تماشا کنند.

## گل‌گهر و امید به آسیایی شدن

گل‌گهر در طول فصل با شکست تیم‌هایی چون ذوب‌آهن و ملوان‌بندرآزلی، و متوقف کردن استقلال تهران و فولادخوزستان و گرفتن چهار امتیاز از سپاهان و همچنین دریافت شانزده گل، عملکرد نسبتاً خوبی از خود نشان داد. این تیم با وجود اینکه رتبه قابل توجهی در جدول نداشته، اما ثبات بیشتری نسبت به فصول قبل دارد. شاگردان تاتار چنانچه در دو هفته باقی‌مانده مقابل حریفان خود چهار امتیاز کسب نماید رتبه پنجمی خود را تثبیت کرده و با توجه به حضور در مرحله نیمه نهایی جام حذفی توانایی و پتانسیل صعود به لیگ آسیا را نیز دارند.

## گزینه‌های سقوط

سه تیم مس رفسنجان، نساجی مازندران و هوادار تهران گزینه‌های اصلی سقوط به لیگ دسته اول فوتبال ایران هستند. در این بین با توجه به شرایط جدول و تفاضل گل ایجاد شده، هوادار را باید سقوط کننده قطعی تلقی کنیم. «این تیم دو دیدار مشکل با مدعیان کسب سهمیه در انتهای لیگ دارد، اما داستان مس رفسنجان و نساجی مازندران کمی متفاوت است. مس با بیست و هفت امتیاز در پایان هفته بیست و هشتم برای ماندن صرفاً به دو تساوی نیاز دارد.» البته ذوب‌آهن و خیبر خرم آباد حریفان انتهای فصل مس، برای حفظ جایگاه خود به شش امتیاز باقی مانده نیاز مبرم دارند.» آن طرف نساجی مازندران باید شش امتیاز کامل دیدار با تراکتور و ذوب‌آهن را بدست آورده و آنگاه منتظر لغزش مس رفسنجان باشد. در این شرایط در یک احتمال قوی باید حکم به سقوط نماینده مازندران بدهیم. یک احتمال بسیار ضعیف نیز شاید هوادار را در شرایط شبیه به معجزه در لیگ برتر حفظ کند.

## توپ‌وتور

فاجعه در والیبال جام باشگاه‌های زنان آسیا؛

## باخت‌هایی که

## آبرومندانه لقب گرفت!

## فاطمه مهدوی

حذف تیم والیبال زنان سایپا در دور مقدماتی جام باشگاه‌های آسیا و عدم کسب هیچ مقامی زنگ خطری برای این رشته است و نشان می‌دهد نه تنها هیچ پیشرفت‌ی نداشتیم بلکه به فاجعه نزدیک شده‌ایم.

مسابقات والیبال زنان جام باشگاه‌های آسیا هم به پایان رسید اما با نتیجه‌ای که توقع می‌رفت حداقل با هدایت سمیرا ایمانی سرمربی سایپا، این تیم بتواند عملکرد بهتری نسبت به نتایجی که نمایندگان کشورمان در دوره‌های پیشین این رقابت‌ها کسب می‌کردند داشته باشد. سایپایی‌ها که فصل را با هدایت ایمانی پرقدرد به پایان رساندند موفق شدند مانند فصل گذشته به قهرمانی لیگ برتر والیبال زنان دست یابند. با این تفاوت که در فصل گذشته مریم هاشمی هدایت آن‌ها را برعهده داشت و در این فصل سرمربی باسابقه ایرانی سکان این تیم را در دست گرفت.

برخلاف انتظارات این تیم در جام باشگاه‌های آسیا نتوانست به مرحله بعدی صعود کند و در همان دور مقدماتی حذف شد. موضوعی ناامید کننده که نشان‌دهنده ضعف بسیار والیبال زنان در قاره کهن است. تیم سایپا در دو بازی اول مقابل نمایندگان چین و ویتنام تن به شکست داد. این در حالی بود که نماینده چین حتی با ترکیب اصلی خود در این مسابقات شرکت نکرد. بدتر اینکه سمیرا ایمانی پس از باخت مقابل ویتنام گفت: درست است که نتیجه را برابر ویتنام واگذار کردیم اما نتیجه آبرومندانه بود. عملکرد به گونه‌ای بود که خستگی در تن تمامی بازیکنان و کادرفنی نمود. این اظهارنظر عجیب در شرایطی عنوان شد که هیچ منطقی در پشت آن قرار ندارد. چطور ممکن است پس از دو بازی و حذف از دور مقدماتی نتایج یک تیم آبرومندانه باشد؟ وقتی که به نتایج سال‌های گذشته نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که فاجعه‌ای در والیبال زنان رخ داده است.

مرضیه کریمی مربی تیم والیبال بانوان سایپا در این زمینه گفت: با توجه به اینکه سال پیش هم من به عنوان کمک مربی در کنار تیم سایپا بودم، به نظرم امسال سطح بازی بچه‌ها در جام باشگاه‌های آسیا از کیفیت بالاتری برخوردار بود!

در سال‌های گذشته تیم‌های باشگاهی والیبال زنان بدترین جایگاهی که در آسیا کسب می‌کردند، هشتم و بهترین آن چهارم بود اما امسال حتی نتوانستند در بین ۱۲ تیم در رده هشتم قرار بگیرند و حذف شدند.

میترا شعبانیان سرمربی اسبق تیم ملی والیبال زنان در این زمینه گفت: درحالی‌ما از جام آسیا حذف شدیم که تیم‌های قدرتمند آسیا چون کره جنوبی و ژاپن حضور نداشتند. بازیکنان بزرگسال چین به عنوان لژیونر در لیگ‌های ترکیه و ایتالیا در حال بازی هستند و چین با تیم اصلی خود به این مسابقات نیامده بود.

جدای از این نتایج ضعیف که سرمربی و مربی تیم سایپا دلیل آن را همان دلایل همیشگی یعنی عدم اعتماد به نفس بازیکنان و نبود تغذیه مناسب عنوان کرده‌اند، باید به این موضوع هم اشاره کرد که بیشتر تیم‌های آسیایی با بازیکنان خارجی در جام باشگاه‌ها بازی کرده‌اند اما این موضوع در نماینده ایران دیده نمی‌شد.

بر خلاف لیگ والیبال زنان، در لیگ بسکتبال زنان برخی از تیم‌ها از بازیکنان خارجی استفاده کرده‌اند و حتی به گفته برخی از سرمربیان باشگاهی آن یک بازیکن خارجی در برد و قهرمانی تیم در لیگ بسیار موثر بوده است. موضوعی که باید به تدریج در والیبال زنان هم رواج یابد تا سطح بازی‌ها بالاتر برود و تیم‌ها بتوانند حداقل جایگاهی در آسیا داشته باشند.

با همه این تفاسیر باید گفت که هنوز والیبال زنان نیاز به خانه تکانی و تحولی بزرگ دارد تا بتواند حداقل به جایگاه هشتمی در آسیا برسد.





■ **سردبیر:** مهدی تیموری

■ **صاحب امتیاز و مدیرمسئول:** مهرداد تیموری

■ **صفحه آرا:** امیر بیات

■ **مدیر روابط عمومی:** مهسا تیموری

■ **تحریریه:** دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

■ **نشانی:** کرج - بلوار جمهوری شمالی - کوچه میثم - پلاک ۱ - طبقه ۲ - واحد ۶    **تلفن - نمابر:** ۳۴۴۹۹۲۵۵    **چاپ:** کهن



www.donyayehavadar.ir

**دنیای هوادار**

دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴  
شمارگان ۱۸۰۵

«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد

## گزارش تصویری

بررسی عملکرد مراکز فوریت‌های اجتماعی در البرز؛

# وقتی تلفن اورژانس اجتماعی از فرار، خشونت و خودکشی می‌گوید

به پایگاه‌های اورژانس اجتماعی از این خدمات بهره‌مند شوند.

محمّدی فلاح همچنین درباره شیوه پذیرش مددجویان تصریح کرد: «پذیرش مددجویان به دو صورت خودمعرفی و -ارجاعی- انجام می‌شود. ارجاعات نیز به دو شکل درون‌سازمانی (از طریق خط اورژانس اجتماعی ۱۲۳، تیم‌های سیار و سایر مراکز وابسته به بهزیستی) و برون‌سازمانی (از سوی مراجع قضایی، انتظامی و دیگر نهادها) صورت می‌گیرد. مددجویان پس از پذیرش، از خدمات تخصصی مورد نیاز بهره‌مند خواهند شد.»

افزود: «این مراکز به افراد در معرض آسیب، آسیب‌دیده اجتماعی و کسانی که به دلایل مختلف در شرایط بحرانی قرار دارند، خدمات تخصصی ارائه می‌دهند.»

مدیرکل بهزیستی البرز گفت: «مراکز فوریت‌های اجتماعی وظیفه ارائه خدمات روانشناسی، مددکاری، درمانی و حقوقی را به جامعه هدف بر عهده دارند. فعالیت‌های سازمان بهزیستی، به‌ویژه در زمینه آسیب‌های اجتماعی، مبتنی بر مشارکت مردمی است و شهروندان می‌توانند از طریق تماس با شماره ۱۲۳ یا مراجعه حضوری

تماس‌ها مربوط به درخواست راهنمایی در خصوص مسائل غیرمرتبط از جمله ارجاع به مراکز درمانی، موضوعات بهداشتی و خدمات مشاوره‌ای بوده است.»

محمّدی فلاح ادامه داد: «در میان تماس‌های مرتبط، بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به اختلافات حاد خانوادگی، کودک‌آزاری، همسرآزاری، افکار خودکشی، سالمندآزاری، اقدام به خودکشی و فرار از منزل بوده است.»

وی با بیان اینکه بهزیستی استان البرز دارای پنج مرکز اورژانس اجتماعی در شهرهای کرج (مرکز و محمدشهر)، فردیس، نظرآباد و ساوجبلاغ است،

مدیرکل بهزیستی استان البرز از ثبت بیش از ۴۹ هزار تماس با مرکز اورژانس اجتماعی این استان در سال گذشته خبر داد و اعلام کرد که حدود ۲۰ درصد این تماس‌ها به موضوعات مرتبط با آسیب‌های اجتماعی اختصاص داشته است.

وجیهه محمدی فلاح، مدیرکل بهزیستی استان البرز، با اعلام این خبر گفت: «در سال گذشته ۴۹ هزار و ۶۶۵ تماس تلفنی با مرکز اورژانس اجتماعی بهزیستی البرز برقرار شده است.»

وی با اشاره به اینکه از این میزان تماس، ۹ هزار و ۹۳۳ مورد معادل ۲۰ درصد، مرتبط با خدمات اورژانس اجتماعی بوده، افزود: «حدود ۸۰ درصد

